پیشخوان
Pishkhaan.net

مهمانی ناتمام ترانه در خیابان‌های شهر

هنرمندان در گفت‌وگو با همشهری از اهمیت موسیقی خیابانی در ساختار شهرهای مدرن می گویند

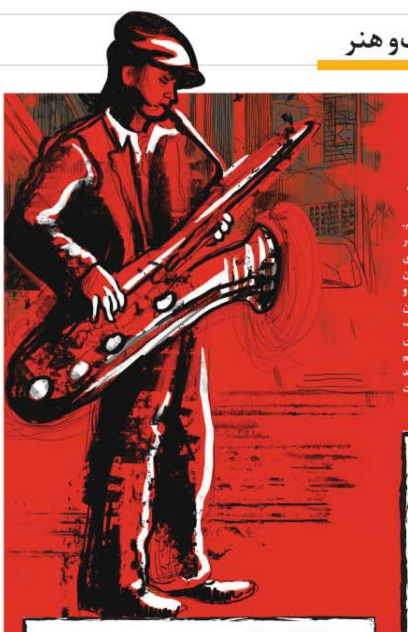

فهیمه پناه‌آذر
روزنامه‌نگار

اگر بخواهند! شهر می‌تواند پر از صدای موسیقی باشد؛ نواهایی که شاید بتواند برای چند دقیقه هم که شده، عابران پیاده‌رو را شاد کند؛ شاید بتواند به حرکت رهگذران خسته و اسیر در کارهای روزمره ریتم بدهد. این روزها هرجا که می‌رویم در کنار یک خیابان بلند و شلوغ یا پارک‌ها و بوستان‌ها و مقابل بازارهای بزرگ، گروه‌های چند نفری را می‌بینیم که قطعاتی آشنا و ناآشنا می‌نوازند. آنها شهر را پر از موسیقی می‌کنند؛ خنیاگرانی که زندگی‌شان خالی از غم نیست. کلاه و قاب خالی‌ای که جلو پایشان در انتظار پرشدن است، شرح کوچکی از دل پر و جیب خالی نوازندگان خیابان‌های شهر ماست. خشونت نیروی انتظامی با یک گروه ۳نفری در رشت، موسیقی خیابانی در شهرها را داستان اول خیلی‌ها کرد. برخی از مسئولان واکنش‌هایی نشان دادند که یکی از آنها معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است. سیدمحمد مجتبی حسینی در واکنش به این برخورد به پیش‌نویسی درباره ساماندهی اجرای موسیقی در خیابان اشاره کرده: «این برخورد تند را زیبنده کشور و فرهنگ‌مان نمی‌دانم. اجرای شهری امری نوین نیست و پیشینه و سابقه‌ای طولانی دارد. در مورد اجرا در معابر شهری، پیش‌نویسی در حال تهیه شدن است و در ویراست دوم قرار دارد.» وی ادامه می‌دهد: «این شیوه‌نامه با همکاری نهادهای شهری که مشارکت‌شان در این امر لازم است و تأیید کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تدوین می‌شود و ان‌شاءالله وحدت رویه‌ای را در این زمینه ایجاد خواهد کرد تا از یکسو فرزندان ایران زمین؛ دختران و پسران نوازنده که در خیابان به مشق آنچه می‌توانند، مشغول‌اند، دچار آسیب و مشکل نشوند و از سوی دیگر نغماتی که شایسته نیست، به گوش مردم کشورمان نرسد.» علاوه بر واکنش مسئولان، هنرمندان عرصه موسیقی هم درباره حضور گروه‌های موسیقی خیابانی گفتند و هر یک نظرات خود را اعلام کردند اما نقطه مشترک این صحبت‌ها، حمایت و در نهایت تدوین آیین‌نامه برای حمایت و ساماندهی از گروه‌های موسیقی خیابانی است.

کامبیز روشن‌روان؛ آهنگساز

نواختن در خیابان غیر قانونی نیست

فعالیت گروه‌های موسیقی خیابانی، علاوه بر اینکه باعث تنوع دیداری برای مردم یک شهر می‌شود، باعث ایجاد روحیه شادتر برای مردم هر منطقه و محله هم می‌شود. گروه‌های موسیقی خیابانی، گروه‌های نیمه‌حرفه‌ای و آماتور هستند که از یک سو می‌توانند از این طریق بخشی از زندگی خود را تأمین کنند و از سوی دیگر باعث تحرک در فضای شهری می‌شوند. نمی‌توان حضورشان را انکار کرد و حضورشان مثبت خواهد بود. در تمام دنیا در شهرهای بزرگ و کوچک، متروها و اتوبوس‌ها می‌توان حضور این گروه‌ها را دید و نه تنها به لحاظ اجتماعی مشکلی ندارند بلکه می‌توانند تأثیرگذار هم باشند. چند وقت پیش قرار بود وزارت ارشاد به گروه‌ها مجوز بدهد اما نمی‌دانم به چه شکل است. در جریان نیستم و تنها شنیده‌ام برنامه‌ای دارند، اما می‌دانم مجوز دادن به گروه‌ها کار ساده‌ای نیست و مشکلات مجوز دادن همچون مجوز به سالن‌ها را ایجاد می‌کند. معتقدم این گروه‌ها نیازی به مجوز ندارند اما می‌شود آیین‌نامه‌ای در نوع ارائه کار و حمایت از گروه‌ها که عموما جوان هستند، تدوین شود. وزارت ارشاد و نیروی انتظامی باید حمایت و حتی امنیت را برای این گروه‌ها تأمین کنند؛ چرا که نواختن در خیابان خلاف قانون نیست.

نزهت امیری؛ موسیقیدان و رهبر ارکستر

گروه‌های موسیقی خیابانی همیشه در رنج‌اند

این رفتار زشت را محکوم می‌کنم، هر نوع رفتار خشنی می‌تواند آسیبی بزرگ و جدی تلقی شود. این فیلم را به یاد داشته باشید و ۳۰سال دیگر ببینید همین جوان‌ها چگونه آن را در یادشان نگه‌می‌دارند و چه سرخوردگی‌ای در آنها ایجاد شده است. چنین کاری خطاست. جواب این سؤال را که چرا چنین اتفاقی افتاده از ۲منظر می‌توان داد؛ یک معضل، بیکاری است که داریم. آمار بیکاری که روند و رشد فزاینده داشته، باعث شده بسیاری از هنرمندان جوان برای نان شب این کار را انجام دهند؛ هنر زیبا، سالم و شفاف که هنرمند را مجبور می‌کند گاهی در خیابان هم ساز بزند و حتی ممکن است برای خودش هم آسیبی ایجاد شود. بسیاری از گروه‌ها از روی اجبار این کار را می‌کنند. معلم آموزشگاهی می‌شناسم که حقوق تدریسش کفاف نمی‌دهد و در قالب گروه‌های خیابانی ساز می‌زند. هر چند به‌نظر من نواختن موسیقی هیچ اشکالی ندارد. مسئله دوم نبود و فقدان مکان و سالن کوچک برای این جوانان است؛ آیا مکانی برای جوانان وجود دارد که بروند با خیال راحت اجرا کنند؟ هر جایی حتی خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها اجاره‌های کلان می‌خواهند. اتفاقا این گروه‌ها در رنج هستند. ساعت‌ها راه می‌روند و ۱۲ساعت ساز می‌زنند. گاهی تحقیر می‌شوند. این رنج کشور من و جوانان را نشان می‌دهد. باید کار ایجاد کنیم نه آنکه یارانه بدهیم. اینها نتیجه رفتارهای غلط است. اگر مسئولان مصمم هستند که این گروه‌ها را زیرنظر بگیرند و کار نظارتی انجام دهند، بیایند به شکل زیبا و اصولی گروه‌های موسیقی را ساماندهی کنند، برایشان جاهایی آماده کنند مانند فرهنگسراها، مکان‌های خاص عمومی و بوستان‌ها اما هیچ کسی به فکر نیست.

داریوش پیرنیاکان؛ نوازنده تار و سه‌تار، پژوهشگر و استاد دانشگاه

شهرداری از گروه‌های موسیقی خیابانی حمایت کند

حضور گروه‌های موسیقی یکی از فعالیت‌های مؤثر فرهنگی و هنری در شهر است. در کشورهای توسعه‌یافته، هنرجویان و دانشگاهیان تحصیلکرده در زمینه موسیقی را تشویق می‌کنند تا در مجامع عمومی ساز بزنند. این فعالیت از ۲منظر قابل تامل و اعتناست؛ اول اینکه چهره شهر زیبا، تلطیف و هنری می‌شود و دوم آنکه فعالیت برای جوانان یک کار تجربی به‌حساب می‌آید. در جریان فعالیت گروه‌های موسیقی جوان این نکته نیز فراموش نشود که این گروه‌ها باید قطعات خوب و مردم‌پسند را انتخاب و برای مردم بنوازند نه آنکه هر چه دستشان بیاید را اجرا کنند که مردم متوجه نشده و یا لذت نبرند. وقتی کلیپ برخورد نیروی انتظامی با گروه موسیقی جوان را دیدم بسیار متأسف شدم. رفتار بسیار نابخردانه‌ای بود؛ حتی اگر این گروه اشتباه کرده باشد، باید خیلی محترمانه برخورد می‌کردند و این نوع رفتارها و اشاعه آن در شهرهای بزرگ و کوچک بدترین کار است. در این حوزه و برای حمایت از جوانان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران و دیگر شهرها باید ورود کرده و زمینه را برای گروه‌های موسیقی که لازمه هر جامعه سالم است، مهیا کنند. مسئولان باید بدانند که اجرای موسیقی و فعالیت‌های هنری باعث نشاط عمومی جامعه می‌شود. قرار نیست به این گروه‌ها مجوزی داده شود؛ چرا که نباید گروه‌های موسیقی خیابانی را درگیر مجوز و ممیزی کرد اما می‌توان یک آیین‌نامه حمایتی برای آنها تدوین و اجرایی کرد.

رضا یزدانی؛ آهنگساز و خواننده

ایجاد فضای شاد برای رهگذران چه مشکلی دارد؟

موسیقی کاربردهای زیادی دارد، در گلخانه‌ها برای پرورش بهتر گیاهان و حتی میوه‌های گلخانه‌ای موسیقی پخش می‌کنند، در گاوداری‌ها برای شیردهی بهتر گاوها هم موسیقی پخش می‌کنند. حالا برای ما که آدمیزاد هستیم و نیاز به موسیقی داریم و آن را بهتر می‌فهمیم این نوع رفتارهای مقطعی و سلیقه‌ای اصلا قابل درک نیست. به‌نظر می‌رسد برخی که در مقام اجرایی هستند هیچ درک، فهم و برداشتی از موسیقی و اجرای آن ندارند و اگر اشتباهی هم رخ داده باشد با صحبت و تذکر می‌توان موضوع را حل کرد. حضور گروه‌های موسیقی و نواختن موسیقی نشاط را به همراه می‌آورد، باعث می‌شود مردم در یک مقطع زمانی حتی کوتاه شاد شوند. یک شادی مقطعی و کوچک در دل این همه مشکلات برای مردم چه مشکلی دارد؟ موسیقی حتی فضای شهری را تلطیف می‌کند و با همه مشکلات حال مردم را خوب می‌کند. گمان می‌کنم با این نوع رفتارها، تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که اصلا درست نیست و بیشتر سلیقه‌ای است.

محمد سریر؛ آهنگساز و موسیقیدان

موسیقی آرامش را میان مردم می‌آورد

آنچه در شرایط کنونی به تلطیف احساسات عمومی در شهر می‌تواند کمک بکند (در شرایط فعلی که نگرانی‌ها زیاد است و امکانات مالی محدود شده) ورود به فعالیت‌های هنری است. از جمله این فعالیت‌ها، حضور گروه‌های موسیقی خیابانی می‌تواند باشد که هر چند خودشان هم مشکلات زیادی دارند اما می‌توانند در شادی مردم کمک شایانی داشته باشند. بهتر است با رفتارهای اشتباه جلو فعالیت گروه‌ها را نگیریم بلکه در ساماندهی و حمایت از گروه‌ها پیشقدم باشیم. موسیقی می‌تواند آرامش را میان مردم بیاورد و لذت شنیدن صدای خوش را به همراه داشته باشد. در اینگونه فعالیت‌ها رپرتوار و قطعات خاصی مدنظر نیست و سلیقه‌ها در نواختن و شنیدن فرق می‌کند اما به یاد داشته باشیم این هنر در فضای باز شکل می‌گیرد، کسی که خوشش بیاید گوش می‌دهد و کسی که باب میلش نباشد، محل را ترک می‌کند.

حامد همایون؛ خواننده

موسیقی خیابانی بخشی از فرهنگ جامعه

هنرمندانی که در قالب گروه‌های موسیقی خیابانی اجرا دارند، ۲دسته هستند؛ گروهی که موسیقی اجرا می‌کنند که کارشان دیده شود و نیاز مالی ندارند و برخی هم هنرمندانی هستند که علاوه بر اجرا، از این راه امرار معاش می‌کنند. هر ۲گروه هنرمند و قابل احترام هستند و هر نوع برخوردی با انسان‌ها زشت و زننده است و جای دفاع ندارد. موسیقی در هر حالتی حال آدم را خوب می‌کند و گسترش موسیقی بد نیست. باید دست به‌دست هم بدهیم و کاری برای هنرمندان جوان انجام دهیم. در این میان اجرای افراد معروف در قالب کنسرت‌های خیابانی می‌تواند مؤثر باشد. باید این گروه‌های موسیقی خیابانی هم صنفی داشته باشند؛ کسی که بتواند از فعالیت آنها حمایت کند این گروه‌ها از قشر تحصیلکرده و دانشجو هستند. ما هم در شیراز اجراهای خیابانی داشتیم و ای کاش در همه شهرها به این موضوع توجه شود. در تمام دنیا اجرای موسیقی خیابانی بخشی از فرهنگ جامعه است و حتی هنرمندان نامی و بزرگ نیز اجرا دارند و فستیوال‌های حرفه‌ای در قالب موسیقی خیابانی برگزار می‌شود؛ این نشان دهنده فرهنگ است.

موسیقی خیابانی
در نیویورک، پاریس و استانبول

خیابان‌ها در جشن بیکران

آرش نهاوندی
مترجم

تاریخ شهر و موسیقی خیابانی در هم تنیده است؛ حتی در اروپای قرون وسطی و زمانی که دستگاه تفتیش به‌عنوان بازوی اجرایی پاپ با تمام قدرت با مخالفان برخورد می‌کرد، نوای موسیقی در خیابان شهرهای اروپایی طنین‌انداز بود. با گسترش ارتباطات جهانی و توسعه صنعت توریسم، امروزه شهرهای مدرن میزبان گروه‌های موسیقی خیابانی هستند که در ژانرهای مختلفی برنامه اجرا می‌کنند؛ از جمله شهرهایی که در عصر حاضر در زمینه موسیقی و جشنواره‌های خیابانی شهرتی به هم زده‌اند می‌توان به نیویورک، پاریس و استانبول اشاره کرد.

پاریس

تمام ژانرهای موسیقی از اپرا، کلاسیک راک، جز، رپ، هیپ‌هاپ را می‌توان در خیابان‌های پاریس شنید. موسیقی خیابانی در پاریس سابقه طولانی دارد. بر مبنای اسناد تاریخی موسیقی خیابانی از زمان قرون وسطی در پاریس رواج داشته است. در قرن هفدهم میلادی مهم‌ترین محل اجرای موسیقی خیابانی در پاریس پل نهم بود. امروزه اجراکنندگان موسیقی خیابانی در پاریس را می‌توان در اغلب میدان‌ها و خیابان‌های مرکز این شهر به چشم دید. در متروی پاریس نیز خوانندگان خیابانی به اجرای موسیقی می‌پردازند؛ البته به‌دلیل فضای محدود ایستگاه‌های مترو و مخاطبان در حال گذر، خوانندگان و نوازندگان منتخب در ایستگاه‌های متروی پاریس برنامه اجرا می‌کنند. برای خواندن و نواختن در متروی پاریس نیاز به مجوز است. البته اینکه نواختن و خواندن چه موسیقی در پاریس قانونی یا غیرقانونی است و اجرا در چه مناطقی از شهر مجاز است و در چه مناطقی غیرمجاز در هاله‌ای از ابهام قرار داد و تاکنون به‌دلیل تشکیلات عریض و طویل اداری در فرانسه مشخص نشده که آیا قرار است در این مورد قانونی به تصویب برسد یا خیر. نوازندگان و خوانندگان خیابانی اگر به محله‌های پاریس آشنا باشند و در زمان و مکانی مناسب به اجرا بپردازند، می‌توانند امیدوار به کسب درآمد چشمگیری، حتی بالاتر از درآمد پزشکان و وکیلان حقوقی باشند. جشنواره جز پاریس، جشنواره راک در سن و جشن موسیقی همه‌ساله در پاریس برگزار می‌شود. جشنواره‌های موسیقی آفریقایی و به‌ویژه موسیقی شمال آفریقا مانند موسیقی «ری» که از نوعی موسیقی الجزایری گرفته شده است، همه‌ساله در پاریس برپا می‌شود.

استانبول

استانبول از سرزنده‌ترین شهرهای دنیاست که بخش مهمی از این نشاط را موسیقی خیابانی و نوازندگان آن می‌سازند. خیابان استقلال در شهر استانبول از جمله مراکز تجمع نوازندگان و خوانندگان خیابانی در استانبول است. در این خیابان موسیقی سنتی در کنار انواع موزیک‌ها برای عابران که اغلب آنها گردشگران هستند، نواخته می‌شود. از سال ۲۰۱۶ خوانندگان و موزیسین‌های خیابانی مجاز به خواندن بر عرشه کشتی‌های تفریحی و مسافربری که از تنگه بسفر گذر می‌کنند، شده‌اند. شهرداری استانبول برای خوانندگان و نوازندگان خیابانی که قصد اجرا در کشتی‌ها را دارند، مجوز صادر می‌کنند. اجرای موسیقی در هر نقطه از شهر با درنظر گرفتن حریم و حقوق دیگران مجاز است. در شهر استانبول سالانه جشنواره‌های موسیقی ترکی، جز، پاپ و راک خیابانی برگزار می‌شود.

نیویورک

در سایت شهرداری نیویورک آمده خوانندگان و نوازندگان در این شهر نیاز به مجوز ندارند. در زمینه اجرای موسیقی خیابانی تنها زمانی مجوز لازم داده می‌شود که فرد یا گروهی بخواهند از دستگاه‌های پخش صدا مانند بلندگو، مگافون یا استریو در زمان اجرا در پارک‌ها یا در فضاهای نزدیک به پارک‌ها استفاده کنند. متقاضیان استفاده از مجوز برای استفاده از دستگاه‌های پخش کننده صوت در نیویورک در ساعات کاری به مراکز پلیس محلی مراجعه می‌کنند. بهای مجوز استفاده از دستگاه‌های پخش صوت ۴۵دلار است؛ این در حالی است که گروه‌های موسیقی خیابانی که از دستگاه‌های پخش صوت استفاده نمی‌کنند می‌توانند در سطح شهر نیویورک برنامه خود را اجرا کنند. در نیویورک علاوه بر خیابان‌ها، ایستگاه‌ها و محل ورودی‌های مترو، محل دائمی اجرای موسیقی است. اجرای اغلب ترانه‌های سبک‌های جز و بلوز و کانتری و همچنین ترانه‌های روز و خاطره‌انگیز توسط نوازندگان خیابانی در این کلانشهر اجرا می‌شود. همه‌ساله تعداد قابل توجهی جشنواره‌های موسیقی در فضای باز نیز برگزار می‌شود؛ از جمله جشنواره اجرای موسیقی «صحنه تابستان» که سازمان پارک‌های نیویورک حامی اصلی برگزاری آن است و امسال سی‌وسومین سالگرد خود را جشن گرفت. بال فرماندار نیز جشنواره مهم موسیقی است که به‌مدت ۳روز در فضای باز در جزیره راندال شهر نیویورک برگزار می‌شود. «بریک سلبریتی بروکلین» نیز جشنواره‌ای است که عمدتا به محل بوکلین اختصاص دارد و در پارک پروسپکت برگزار می‌شود.

روزهای
ترانه و اندوه
در تهران چه می‌شنویم؟

مسعود میر
روزنامه‌نگار

گوش کن، نه به هجوم آهن‌پاره‌ها و ماشین‌ها، نه به همهمه میلیونی این شهر که سکوت را شکست داده‌اند و پرندگان را تارومار کرده‌اند. گوش کن به صدایی که در این میدان جنگ ناگهان چون نفیر شلیک خاطرات تو را مجروح می‌کند. به این جراحت مطلوب گوش کن.

■■■

سه، دو، یک. چراغ قرمز شد و حالا باید رانندگان را به سفر دعوت کرد. صدای ساز هنوز کوک نیست اما صدای آوازه‌خوان که می‌خواند: «با تو رفتم، بی‌تو باز آمدم» کوک کوک است. اصلا انگار همین آوازه‌خوان دوره‌گرد در سال‌های دور این ترانه را برای اول بار خوانده است. سه، دو، یک. چراغ سبز شده و باید در زیر صدای بوق‌های گوشخراش گوش را فرستاد دنبال صدایی که ادامه می‌دهد: «پنهان کردم در خاکستر غم».

■■■

لعنت به چراغ قرمز و سبز وقتی هم غصه‌ای در کنار پیاده‌رو نشسته و می‌خواند: «با دل من بساز». این الهه ناز مگر چند نسل را افسون کرده که هنوز هم تمنای بودنش حزن یک روز پاییزی را می‌ماند حتی در خیابان بهار. فضای سبز با این آواز می‌شود فضای نارنجی خاطره و یادمان می‌آید که قصه زندگی همه ما پر از غصه تنهایی و هجران است.

■■■

فضای سبز هم شده زمزمه نوستالژیک برای مال‌ها و پاساژها و شهر انگار دیگر خودش هم خودش را نمی‌شناسد. در این ناشناسی روزمره اما می‌شود جلو یکی از همین نخراشیده‌های بتنی و شیشه‌اندود جوانکی را سراغ گرفت که لق‌لقه زبانش را خواننده‌ای خوانده که سه برابر او سن دارد. تاریخ خواندن آن کار هم به‌طور یقین قبل از جوانی پدر و مادر جوانک را شهادت می‌دهد. روزگار عوض شده اما هنوز می‌شود بین جوانی و زندگی و فضاهای سبزی که جایشان دیوار سبز شده با صدایی محزون خواند: «اون پرنده تو بودی...»

■■■

امان از دیوار که همه دنیایمان شده چهاردیواری و نامش هم دلمان را زندانی می‌کند بس که برایش در این شهر چانه زدیم و جان کندیم. اصلا کنار همین دیوارهای گران‌قیمت مجتمع‌های مسکونی از ما بهتران بود که دوباره بساط ساز پهن شد و صدای آواز با خشاب حنجره‌های مخملی دوباره به جان ما شلیک کرد که: «یه دیواره، یه دیواره...»

■■■

گوش کن. خاطره را می‌شنوی؟

یادداشت

شرف مرد به ز دولت اوست

سحر سخایی
موسیقیدان و نویسنده

۱ چند روز دیگر سالگرد مرگ یکی از بزرگ‌ترین نوازندگان موسیقی ایرانی «غلامحسین درویش» است. معروف است که در یک شب آذرماهی سرد در تهران ۱۳۰۵ او با درشکه به خانه برمی‌گشته و یکی از آن نخستین اتول‌های آمده به تهران که اتفاقا در مسیر برگشت از محله بدنامی هم بوده، با درشکه درویش تصادف می‌کند و او در اوج ساختن و نواختن و بودن، سهم سنگفرش‌های خیابان می‌شود.

۲ کاراواجوی نقاش تابلو معروفی دارد به نام «شکتوماسقدیس». نقاشی مسیح را نشان می‌دهد که با زخمی عمیق و خالی روی تنش اجازه داد کاراواجو انگشتش را در زخم فرو کند تا به حقیقت آن پی ببرد. توماس، یار مسیح، عقیده داشت تا نبیند باور نخواهد کرد. ایمان توماس، در چشم‌هایش بود و در سر انگشتی که در زخم پهلوی پسر خدا چرخید.

۳ باور کنید دارم درباره ویدئویی می‌نویسم که فقط ثانیه‌های اولیه‌اش را دیدم. تا همان جا که دستی انگار از غیب، آمد و یقه لباس پسر جوان را کشید و او با تمام وزنش جلو آن همه انسان نقش زمین شد. من همان لحظه موبایلم را خاموش کردم و به جلو خیره شدم. در بیشتر دیدن این مصیبت، حقارتی بود که تمام تاریخ موسیقی مرا به یادم می‌آورد؛ از تصادفی که نوشته‌ام را با آن آغاز کردم تا داستان‌های بسیار دیگری که نه چشمان شما دوست دارد بخواندشان و نه دست‌های من توان نوشتن‌شان را دارد. ما توماس نیستیم. ما ندیده، نشنیده، نخوانده، می‌دانیم داریم کجا زندگی می‌کنیم. سهم‌خواهی ما معلوم است. ما، تمام ما، چه اهل ساز باشیم و چه نه، در جنگ مداممان با ابتذال روزمرگی و مرگ فرهنگ، بیشتر عمر و حال‌مان را صرف می‌کنیم. ما حرمت می‌خواهیم با ماشرافتمندانه بجنگید.

۴ این گروه موسیقی که در یکی از خیابان‌های شهر رشت، نشسته‌اند و به جای تولید بوق و فحش و اضطراب، دارند نغمه‌گری می‌کنند، همان زخمی هستند که تمام ما، موظفیم ببینیمش. حتی خود من باید همین حالا برگردم، ویدئو را باز کنم و نگاهش کنم. لازم نیست خودم یکی از آنها باشم. لازم نیست آن شب آنجا در آن خیابان ایستاده باشم. لازم نیست به عرق شرم و عصبانیت پیشانی آن مردانِ نوازنده خیره شوم. من توماس نیستم. من شک ندارم که در دشمنی با هر عقیده و ایمانی، شرط اول شرافت است. آن پسری که واژگون می‌شود، روی دوش‌اش یک تاریخ را حمل می‌کند. من او را بخشی از خودم می‌بینم؛ بخشی از واروژان؛ بخشی از لطفی؛ بخشی از هر آدم ابوالبشری که در این جغرافیای فرهنگی ایران یک روز به عشق ساز با صدایی بیدار شده و زندگی‌اش را وقف موسیقی کرده است.

۵ تصور ترسناکی است که در انبوه مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، فرهنگ را بفرستیم ته خط. فرهنگ همان چیزی است که به قول بودریو وقتی همه‌چیز فراموش می‌شود، همچنان با آدمی می‌ماند. آن دستی که به‌خود اجازه می‌دهد یک انسان را آنگونه شبیه قاتل فراری نقش زمین کند و آن پایی که برایش مهم نیست دارد به ساز لگد می‌زند یا به خاک، توانِ نابودی یک فرهنگ را دارد. ما بدون فرهنگ‌مان، می‌میریم. ما توماس قدیس نیستیم. ما پیش از مردن، به آن آگاه می‌شویم. ما شرافت را انتخاب خواهیم کرد.

خط خنیاگران خیابانی

در اجراهای خیابانی تهران، موزیسین‌هایی با درک و توانایی بالای اجرای انواع موسیقی دیده می‌شوند

مهرداد طبرسی
روزنامه‌نگار

وقتی سخن از موسیقی خیابانی به میان می‌آید بسیاری در ذهنشان آکاردئون‌نوازهای نابینایی را به یاد می‌آورند که تا سال‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌ها بودند و مطبوعات هر گاه که به موسیقی خیابانی می‌پرداختند عکس یکی از این نوازندگان دوره‌گرد را روی جلد کار می‌کردند و به فیلم‌های سینمای ایران نیز راه پیدا کرده و یکی از نمادهای تهران بودند. می‌گویند کسی در سال‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به شماری از نابینایان آکاردئون‌نوازی آموخته بود تا حرفه‌ای یاد بگیرند و آنها که تا چند سال پیش مانده بودند، باقیمانده همان نسل آکاردئون‌نوازها بودند.

موسیقی خیابانی چنانکه از اسمش پیداست از پدیده‌های دنیای امروز است و برای دوره‌ای است که زندگی شهری گسترده‌تر و پررونق‌تر شد و خیابان‌ها شکل گرفت و به مرور هویت پیدا کرد و پدیده‌های دنیای مدرن هر کدام از کشوری به ایران آمدند، به‌ویژه سازهای مدرن مثل ویولن و آکاردئون و... که برخلاف سازهای ایرانی نیاز به کوک نداشتند و زود از کوک خارج نمی‌شدند و حمل‌ونقلشان راحت بود و نوازنده می‌توانست ساز بر دست روزی را از شمال تا جنوب شهر برود.

پیش از آن قهوه‌خانه‌ها پاتوق نوازندگان بود که به آنجا می‌آمدند و سازشان را کوک می‌کردند و می‌نواختند تا در روزگاری که خبری از تلویزیون و رادیو نبود مردم را سرگرم کنند و هم اگر کسی می‌خواهد برای جشنی به سراغ نوازنده‌ای بیاید بداند که او را کجا باید پیدا کند. بنگاه‌های شادی و کافه‌ها که شکل گرفت نوازندگان سر و سامان گرفتند. آنها که حرفه‌ای‌تر بودند به کافه‌ها و هتل‌ها رفتند و آنها که راهی به کافه‌ها نداشتند به بنگاه‌های شادی رفتند تا در جشن‌ها و عروسی‌ها شادی‌آفرین باشند. نمونه‌های نوازندگان و خوانندگان کافه‌ای را می‌توان در بسیاری از فیلمفارسی‌ها و فیلم‌های پیش از انقلاب دید؛ به‌ویژه فیلم کندوا ثر فریدون گله که سفری است در کافه‌های شهر از جنوب تا شمال. در این میان عده‌ای نیز همچنان خیابان و دوره‌گردی را انتخاب کردند و در شهر دوره می‌گشتند و می‌نواختند.

بعد از انقلاب و تعطیلی کافه‌ها و بنگاه‌های شادی، شمار بیشتری از این نوازندگان به خیابان‌ها آمدند. هرچند فضای انقلابی سال‌های دهه ۶۰ چندان نوازندگان را برنمی‌تابید اما آنها که ماندند آشکارا و پنهان به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

سال‌های دهه ۷۰ را باید سال‌های حیات دوباره موسیقی مدرن در ایران دانست؛ سال‌های پس از جنگ و سازندگی و رونق اقتصادی و بازشدن فضای اجتماعی و به تبع آن شکل‌گیری سازفروشی‌ها و کلاس‌های موسیقی و ورود انواع و اقسام سازهای تازه به ایران از کلارینت و ترومپت و ساکسیفون تا گیتارهای بیس و الکترونیک. در این دوره است که کم‌کم در میان نوازندگان خیابانی موزیسین‌هایی را می‌بینیم که حرفه‌ای‌اند و شعور موسیقایی بسیار دارند و آگاهانه خیابان را انتخاب کرده‌اند. هرچه زمان می‌گذرد شمار چنین نوازندگانی بیشتر می‌شود.

حالا در تهران انواع و اقسام موسیقی‌های خیابانی را می‌بینیم، موسیقی‌های نوازندگان دوره‌گردی از شمال خراسان یا افغانستان که ویولن کوچکی در دست دارند، گیتاریست‌های جوانی که در ورودی مترو و پل‌های عابر پیاده تا کسانی که در کنار مرکزهای کوچک و بزرگ خرید در شمال شهر موسیقی می‌نوازند تا گروه‌های کوچکی که به بعضی از کافه‌ها راه پیدا کرده‌اند و هفته‌ای یکی، دو روز موسیقی زنده اجرا می‌کنند.

www.Gashtman.com
gashtman
گشتمان
(میدان ولی‌عصر)
۸۸ ۹۶۰ ۶۷۷
گشتمان آوین
(سعادت آباد)
۲۶۷۴۳۲۶۰
کانادا ـ استرالیا ـ ژاپن
آفریقای جنوبی ـ برزیل ـ آرژانتین
بانکوک ـ فوکت ـ مکزیک ـ کوبا ـ پرو ـ شیلی
مالدیو ـ سیشل ـ موریس ـ تانزانیا ـ زنگبار ـ کنیا
مالزی ـ سنگاپور ـ بالی ـ استانبول ـ آنکارا
صربستان ـ باکو ـ ارمنستان ـ گرجستان ـ دبی
بلیط ارزان قیمت به اقصی نقاط دنیا

انجمن صرع ایران
ای دوست
تا که دسترسی داری
حاجت بر آر اهل تمنا را
آمده‌ایم تا با یاری هموطنان نیکوکار
توانمندتر از قبل به یاری بیماران مصروع بشتابیم
پس در این راه یاورمان باشید.
نشانی: خیابان شریعتی، ابتدای بزرگراه رسالت، نرسیده به خیابان دبستان، پلاک ۱۷، انجمن صرع ایران
تلفن: ۸۸۴۶۳۲۷۲-۸۸۴۶۹۱۵۳
نمابر: ۸۸۴۶۳۳۷۷